

غیرت دینی

شب تاسوعای حسینی

شهادت حضرت ابوالفضل مثل سایر شهدا در روز عاشورا است

دلیل تجلیل: عظمت شخصیتی و رفتاری و روحیاتی و عاطفی

مثل: شجاعت- فداکاری- ایثارگری- وفاداری به امام خود- عشق به اهل بیت امام- غیرت

ویژگی منحصر به فرد حضرت: غیرت- بسیار مهم و کلیدی

یکی از صفات خداوند است - اگر کسی ندارد یکی از صفات خدا را ندارد

امام صادق علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ ، وَ لِيُغَيِّرَ تَهُ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا . خدای تبارک و تعالی غیرتمند است و هر غیرتمندی را دوست می دارد. و از غیرتمندی اوست که زشت کاریها را ، چه پیدا و چه ناپیدا، حرام فرموده است

پیامبر(ص): در این عالم هستی هیچ موجودی غیرتمندتر از خداوند نیست و از غیرت اوست که زشتی ها را حرام کرده است.

داستان های قران: یوسف و زلیخا- حضرت مریم و فرشته ای که مریم فکر کرد نامحرم است- موسی و دختران شعیب-

نوع بیان داستانها رمانی نیست که گاهی مطالب فاسد رو میارن
قران قضایا را با عفاف بیان می کند و اصل جریان باز نمی شود
این همان غیرت الهی است.

معنای غیرت: اگر انسان چیزی دوست دارد و برای او ارزشمند است اگر کسی
متعرض بشود اگر انسان حالتش تغییر کرد و موضع گرفت غیرته

غیرت یعنی تغییر- موضع گیری- مرزبانی - عکس العمل - دفاع

غیرت فطری است: غیرت به کشور-شهر- روستا- منطقه - مسلمانان - شیعه
ها- دین - ناموس

غیرت یک امر فطری است اگر توجه نشود فراموش می شود

مثل دوست داشتن فرزند مگر فطری نیست = چرا زنده به گوری دختران؟

چون این فطرت را خاموش کرده بودند

خداپرستی = بت پرستی - حیوان پرستی -

علاقه پدر به فرزند یا برادر به برادر یا خواهر به خواهر = چقدر شکایت ها علیه
هم - زندان ها - گاهی اعدام

اینها فطرت دوستی با هم تعامل با هم را فراموش کرده اند.

امام علی(ع): إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِ ، فَلْيَغْرُ مَنْ لَا يَغَارُ ؛ فَإِنَّهُ مَنكُوسُ الْقَلْبِ .

امام علی علیه السلام : همانا خداوند نسبت به مؤمن غیرت دارد؛ پس، بی غیرت از خود غیرت نشان دهد؛ زیرا که آدم بی غیرت واژگونه دل (زیبا بیننده زشتی) است.

مرحوم مجلسی عجب توضیحی در بحارالانوار داده: وقتی کاسه برمیگردانی چیزی در آن باقی نمی ماند می گوید قلبی که در آن غیرت نباشد یعنی آنرا برعکس گرفته ای و هیچ چیز داخلش نیست

شرم - حیا - ارزش های اخلاقی - گناه به راحتی - رابطه با نامحرم -

نمونه هایی از غیرت بزرگان:

دریکی از جنگ ها چند نفر اسیر را به حضور پیامبر(ص) آوردند که مستحق اعدام بودند، پیامبر(ص) فرمان اعدام آنها را صادر کرد، ولی در میان آنها یکی از آنها را آزاد نمود، او پرسید: چرا مرا آزاد کردی؟ پیامبر(ص) فرمود: جبرئیل به من خبر داد که تو دارای پنج خصلت هستی که خدا و رسولش آنها را دوست دارد: ۱- نسبت به ناموست، غیرت شدید داری ۲- دارای سخاوت ۳- حسن خلق ۴- راست گویی ۵- و شجاعت می باشی. آن شخص با شنیدن این سخن، مجذوب پیامبر اسلام شد و مسلمان گردید، و در راه اسلام استوار بود تا این که در یکی از جنگ ها در رکاب پیامبر(ص) به شهادت رسید

حضرت ابراهیم(ع) به داشتن خصلت غیرت - به ویژه غیرت ناموسی - معروف بود، در مورد حفظ عفت همسرش بسیار حساس بود، امام باقر(ع) فرمود: روزی عزرائیل (یکی از فرشتگان مقرب حق) به صورت جوانی وارد خانه ابراهیم (ع) شد، ابراهیم وقتی که او را دید او را نشناخت، نزد او آمد و باتندی به او گفت: «با چه اجازه ای وارد خانه من شده

ای؟» او گفت: با اجازه خدای خانه. آنگاه خود را معرفی کرد، و گفت من از سوی خداوند مأمور شده ام تا مقام خلیل (دوست خالص خدا) را به تو بدهم. ابراهیم خوشحال شد. در روایت دیگری آمده که این فرشته جبرئیل بود

حکم بن ابی العاص پدر مروان در عین آن که مسلمان شده بود، و به مدینه هجرت نموده بود، شخصی هوسباز و منحرف بود، روزی پیامبر(ص) در حجره یکی از همسرانش بود، او از درز در به داخل آن حجره نگاه کرد، پیامبر(ص) از این چشم چرانی او به قدری ناراحت شد که عصای سرکجی که نوک تیز داشت برداشت، و او را تعقیب کرد، او پایه فرار گذاشت و از دست پیامبر(ص) گریخت. پیامبر(ص) به او نرسید و فرمود: «اگر او را می گرفتیم، چشمش را بیرون می آوردیم.»

در مدینه گروهی از اراذل و اوباش و جوانان هرزه به بانوانی که برای شرکت در نماز مغرب و عشاء به سوی مسجد رفت و آمد می کردند، پرخاش نموده، و با متلک و گفتار ناروا به آنها آزار می دادند و مزاحم آنان می شدند، و گروه دیگری نیز بودند که از راه نفاق و شایعه سازی باعث مزاحمت می شدند، خداوند به پیامبر(ص) دستور قاطع داد تا آنها را از مدینه تبعید کند، و از این گونه هوسبازانی که با بی غیرتی خود به حریم عفت تجاوز می کردند با تعبیر «فی قلوبهم مرض» (بیمار دلان تیره دل) و ملعون یاد کرد، چنان که این مطلب در آیه ۶۰ و ۶۱ سوره احزاب آمده است.

حضرت یوسف(ع) هنگامی که به عنوان غلام و برده به خانه عزیز مصر آورده شد نوجوان بود، در آنجا همسر عزیز مصر شیفته جمال او شد و گروهی از زنان را بر آن داشت که از یوسف(ع) کامجویی نمایند، یوسف که در برابر طوفان شهوات قرار داشت در مخاطره شدید قرار گرفت، حتی او را تهدید کردند که اگر تسلیم هوس های آنها نشود، زندانی خواهد شد، یوسف(ع) که بسیار غیور و عفیف بود، باکمال مقاومت، زندان را برگزید، و از کید و مکر آنها فرار کرد در حالی که طبق قرآن، به درگاه الهی چنین می گفت: «ربّ

السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونِي إِلَيْهِ؛ پروردگارا زندان نزد من محبوب تر است از آن چه این ها مرا به سوی آن فرا می خوانند.»

عصر پیامبر(ص) بود، در مدینه دو نفر به نام های هیت و ماتع از افراد هوسباز بودند و همواره با گفتار زشت و خلاف عفت، مردم را می خندانند، روزی پیامبر(ص) از نزدیک آنها عبور می کرد. شنید به یکی از مسلمانان می گفتند: «وقتی که به شهر طائف حمله کردید و آنجا را فتح نمودید، در کمین دختر غیلان ثقفی باش، او را اسیر کرده و برای خود نگهدار، او زنی چنین و چنان... است.» سخن آنها به غیرت پیامبر (ص) برخورد، به طوری که به آنها اعتراض شدید نمود و سپس آنها را از مدینه به سرزمین «غرابا» تبعید کرد، آنها فقط حق داشتند در طول هفته، تنها روزهای جمعه برای خرید غذا و لوازم زندگی به مدینه بیایند.

پیامبر(ص) روزی در میان ازدحام مسلمین (گویا در مسجد) بود، ناگاه دید گروهی در گوشه ای داد و فریاد می کنند، پرسید: چه خبر است؟ گفتند: جوانی گستاخ آمده می گوید: اجازه بدهید نزد پیامبر(ص) بروم از او اجازه بگیرم زنا کنم. پیامبر(ص) فرمود: به او اجازه بدهید نزدیک بیاید، اجازه دادند او نزدیک آمد و در برابر پیامبر(ص) ایستاد و گفت: اجازه بده زنا کنم. پیامبر (ص) از او پرسید: آیا دوست داری (غیرتت اجازه می دهد) که با مادر یا دختر یا خواهر تو چنین کنند؟ او گفت: نه هرگز غیرتم اجازه نمی دهد. پیامبر(ص) فرمود: مردم نیز در مورد مادر یا دختر و خواهرشان راضی نیستند که با آنها عمل منافی عفت انجام شود. آن جوان از سؤال خود پشیمان شد و اظهار عذرخواهی و پشیمانی کرد. پیامبر(ص) دست به سینه او نهاد و چنین دعا کرد: «خدایا قلب این جوان را پاک گردان، و دامان او را از آلودگی بی عفتی حفظ کن، و گناهانش را ببخش.» از آن پس منفورترین کار در نزد آن جوان، گناه بی عفتی بود. (۱۹) پیامبر(ص) در این حادثه، با شکوفانموردن غیرت آن جوان، او را نهی از منکر کرد، و او در پرتو غیرت از آلودگی نجات یافت

غیرت حضرت عباس

حضرت عباس علیه السلام را با صفات و ویژگی های خاصی می شناسیم که یکی از آنها غیرت است. غیرت ایشان آنقدر در زمانه خویش زبانزد و شاخص بود که دوست و دشمن به آن ادعان می داشتند؛ به عبارت دیگر دوستان و نزدیکان حضرت به خاطر این غیرت احساس امنیت و صلابت و غرور داشتند و دشمنان از این غیرت در هراس بودند و هرگاه پای عباس علیه السلام به یک موضوع باز می شد، آنها از مواضع متجاوزگانه و زیاده خواهانه خود عقب نشینی می کردند تا عباس علیه السلام بود، لشگر بنی امیه جرأت توجه به خیمه ها را نداشت؛ به قدری عباس علیه السلام در سپاه دشمن ایجاد ترس و رعب کرده بود که همیشه با یکدیگر از غضب وی صحبت می کردند. به همین خاطر بود که بعد از کشته شدن آن حضرت ترس از دل آنها برداشته شد و با جسارت و وحشیانه مرتکب فجایی شدند و به سوی خیمه ها حمله کردند

می دانیم که عباس علیه السلام نسبت به امام زمان خویش غیرت و تعصب داشت. او یک ولایتمدار به معنای واقعی کلمه بود. غیرت او تا حدی بود که تا زمان زنده ماندنش، دشمن جرات جسارت به امام او را نداشت.

آنچه جامعه امروز ما را از خطرات دشمنان حفظ کرده، روحیه ولایت مداری و ولایت دوستی بسیاری از جوانان این مرز و بوم است. جوانان ما و مردم جامعه ما همواره ثابت کرده اند که به تاسی و پیروی از حضرت عباس علیه السلام، غیرت و تعصب خاصی به ولایت و رهبر زمانه خویش دارند. بسیاری از جوانان، سربازان و سرداران این کشور، تا آخرین قطره خون و تا آخرین نفس برای دفاع از ولایت تلاش می کنند و راز این وفاداری را باید در محرم سال ۶۱ و در جانفشانی عباس علیه السلام جستجو کرد .

شرح شجاعت حضرت عباس علیه السلام و غیرت ایشان به ناموس و امام زمان (عج) خویش بر هیچ کس پوشیده نبوده و نیست این روزها نیز جوانان زیادی نام مبارک

حضرت عباس علیه السلام را بر زبان دارند و برای ایشان سوگواری می کنند غیرت ایشان به ناموس و زنان و دختران حاضر در خیمه ها آنقدر بود که دشمن جرات نزدیک شدن به اهل حرم را نداشت چرا که از تبعات خشم عباس علیه السلام می هراسید. اما این روزها برخی جوانان آنقدر با واژه و مفهومی به نام غیرت بیگانه شده اند که ناموس شان از تیر نگاه دیگران در امان نیست.

داستان علم که تمام جاهای علم جای تیر و شمشیر بود بغیر از جای دستها

غیرت امام حسین علیه السلام

در لحظات آخر [حیات] ابا عبد الله، وقتی در آن گودی قتلگاه افتاده است و قدرت حرکت کردن ندارد لشکر به طرف خیام حرمش حمله می کند حضرت روی دو کنده زانو می نشیند تکیه به شمشیر میکند فریاد می زند که اگر دین نداردی لااقل آزادمرد باشی

میگن گودی قتلگاه حضرت، مسلم راه هانی بن عروه، تک تک شهدا را صدا کرد. صدا زد چه بگوید؟ پاشید پیشانی و قلب مبارشان شکافته؟ نه. صدا زد بلند شید جلوی حمله این نامردها را به حرم اهل بیت بگیرید

غیرت حضرت زینب

حضرت زینب وقتی وارد مجلس یزید شد نفرمود ما غذا نخوردیم- پای ما تاول زده-
چهل منزل بچه های ما را زده اند- اینها همه مصیبت بود فرمود: این عدالت است که
زنان تو پشت پرده حجاب داشته باشند و دختران پیامبر مقابل نامحرمان باشند شما غیرت
ندارید...

شب یازدهم حضرت ک هبالای سر دختری آمد که پدرش رو از دست داده و گرسنه و
تشنه است تا دختر بچه عمه را دید خود رو در آغوش عمع انداخت و گفت عمه جان یه
تکه پارچه ای نداری تا سر خود رو با اون بپوشانم دغدغه یک کودک را ببین

غیرت حضرت زهرا

با لباس کامل و حجاب دقیق زنان محرم دورشو گرفتن و در پشت پرده با خلیفه اول
بحث کرد و از حق امیرالمومنین دفاع میکرد

به خانه های مهاجرین و انصار می رفت و سخن می گفت و یاد غدیر میکرد و دفاع از
ایشان

غیرت های نابجا

در حلال غیرت نیست - غیرت های بی مورد غلط است: اسم کوچک خانم خود رو در فرم نمی نویسه - بعضی زنانی که همسرانشون فوت میکنه وقتی بهشون میگن ازدواج کن میگه من وفادارم- غیرت دارم- اینها غیرت نیست

اسماء بنت عمیس بعد از شهادت جعفر بن ابی طالب ۲ بار ازدواج کرد نخست با خلیفه اول بعد با امیرالمومنین

خانواده ای ۲ دختر دارد یکی بزرگ یکی کوچک برای کوچک خواستگارو.. نمی دهند چون بزرگتر نرفته

کسی که گرسنه است میشود بهش گفت شما صبر کن بقیه هم گرسنه بشن بعد امیرالمومنین فرمو غیرت خوب است اما در جای خود ایاک و التغایر فی غیر موضع الغیره